

روش تحلیل مسائل سیاسی / اثرات انقلابی‌نماها بر جامعه اسلامی (۳)

۱۴ قرن بعد از انقلاب نبوی، انقلاب اسلامی ایران نیز در مرحله‌ی دولت‌سازی و جامعه‌سازی، با همین سه دسته از افراد مواجه است: "اصحاب راستین انقلاب اسلامی"، که با باور تام و تمام به خط انقلاب، در همه‌ی شرایط، در کنار "رهبران انقلاب اسلامی" قرار گرفتند و با کار و تلاش شبانه‌روزی، کار انقلاب را به پیش بردند؛ "ضعیف‌الایمان‌هایی" که به دلیل هوای نفس، دنیاطلبی یا ترس از دشمن، در رخدادها و حوادث تاریخی، پایشان لرزید و یا دست از انقلابی‌گری برداشته و تبدیل به یک انسان خنثی شدند، یا حتی به سمت دشمن، میل پیدا کردند؛ و "انقلابی‌نمایی‌هایی" که شعار انقلاب داده و می‌دهند و عکس آن عمل می‌کنند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۳۶ / شنبه ۵ خرداد ۱۳۹۷

حاشیه‌ای بر فهرست تضمین‌ها

وطن امروز: فرمایشات روز چهارشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آینده برجام، خط مشی راهبردی کشور را هم در مذاکرات جاری با اروپا و هم در چگونگی اداره کشور در شرایطی که دشمن آشکارا درصدد به هم ریختن وضعیت داخلی است، روشن می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی فهرست تضمین‌های مورد درخواست از اروپا را-که در واقع روایتگر خطوط قرمز ایران در مذاکرات است- شفاف و علنی کردند. به لحاظ راهبردی، وقتی خطوط قرمز علنی می‌شود عقب‌نشینی از آنها بسیار دشوار خواهد بود. این بار، خطوط قرمز مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی قبل از حصول هرگونه توافق علنی شده بنابراین مذاکرات محتوا و مسیر کاملاً مشخصی پیدا خواهد کرد. تضمین‌های مورد نظر رهبری از اروپا در واقع عمل به همان وظایفی است که اروپایی‌ها در برجام برعهده گرفته بودند اما علاقه‌ای به عمل به آن از خود نشان ندادند. اکنون که آمریکا بیرون برجام ایستاده، ایران بار دیگر فرصتی به اروپا داده است که روشن شود قادر به نشان دادن حداقلی از استقلال راهبردی هست یا نه؟ مهم‌تر از این، مرور فهرست تضمین‌های مطالبه‌شده نشان می‌دهد خروجی مذاکره با اروپا- اگر قرار بر این باشد که خروجی حاصل شود- نه تکرار یا ادامه برجام، بلکه باید توافقی جدید باشد که بتواند مأموریت شکست خورده برجام یعنی کاهش تحریم‌ها را محقق کند.

بازی «اون» با ترامپ و تنها راه‌حل بحران آمریکا و کره شمالی

کیهان: دو کشور «کره شمالی» و «آمریکا» طی یکی دو روز گذشته تبدیل به محور تحلیل‌های بسیاری در رسانه‌های سراسر دنیا شدند. اعلام شد کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی چند روز پس از آزاد کردن سه زندانی آمریکایی، تونل‌هایی را که محل آزمایش‌های هسته‌ای‌اش بود، مقابل دیدگان خبرنگارانی از سراسر دنیا منفجر و به وعده‌اش عمل کرد اما ترامپ با لغو برنامه دیدارش با «اون» و از سرگیری تهدیدها و اعلام اینکه، هم تحریم‌ها ادامه پیدا خواهند کرد و هم گزینه نظامی هنوز روی میز است، در برابر خوش‌قولی پیونگ یانگ، «دبه» کرد. اگرچه این «بدعهدی» با جملات دلگرم‌کننده‌ای همراه بود که هدفش، جز باز گذاشتن راه مذاکره، چیز دیگری نبود. کیم جونگ اون جوان است و تازه‌کار اما کشورش توانسته خود را به بالاترین سطح دانش هسته‌ای و توانایی نظامی برساند. این کشور اصلاً با مرتجعین عربی که همه چیزشان اجازه‌ای است (حتی ارتششان) قابل مقایسه نیست. بنابر این بعید است آن طور که آمریکا انتظار دارد، تسلیم این کشور شود. تجربه برجام نیز به خوبی نشان داد، از آدمی مثل ترامپ کسی انتظار عمل به وعده ندارد چه رسد

به دادن تضمین‌های قوی. بنا بر این فقط یک راه‌حل می‌ماند و آن، «چین» است. آیا چین، کشوری که سودای ابرقدرتی دارد و در اندیشه به زیرکشیدن هژمونی آمریکاست، حاضر می‌شود چنین ابزار قدرتمندی را از دست بدهد؟! پاسخ روشن است.

«اون» شاید از انجام این مذاکرات انگیزه‌های دیگری غیر از آنچه اعلام می‌شود داشته باشد. مثلاً به چالش کشیدن آمریکا و اعلام اینکه، این آمریکاست که بدعهد است و غیر قابل اعتماد. روی کار آمدن آدم بدعهدی مثل ترامپ نیز در رسیدن اون به این هدف کمک کرده است. اگر به تحلیل‌هایی که بعد از بدعهدی ترامپ و لغو دیدارش با اون در رسانه‌ها منتشر شده (و در ابتدای این مجیزه به آن اشاره کردیم) نگاهی بیندازیم خواهیم دید، همان طور که ریچارد هاوس، نانسی پلوسی و سناتور منندز هم دیروز اعلام کردند، «کره شمالی در برابر آمریکا پیروز شد» و «دنیا به این نتیجه رسید که آمریکا غیر قابل اعتماد است».

آمریکای اوباما، آمریکای ترامپ!

روزنامه اعتماد: در یادداشتی به ترامپ و روش و منش او پرداخته است. در بخشی از این یادداشت آمده است: «ترامپ می‌خواهد نظم دنیا را منطبق با منافع آمریکا و با کمترین هزینه و دردسر سروسامان دهد... او در مقام یک تاجر کاربلد نبض جامعه آمریکا را گرفت، ادای دلقک‌ها و احمق‌ها را درآورد و از همان روز اول تصویری از او منعکس و منتشر شد که شبیه بازتاب تصویر آینه کوژ یا محدب، غیرواقعی و مجازی بود. اما واقعیت این بود که زیر پوست این رفتار یک سناریوی پیچیده و تودرتو جریان داشت.» سپس نویسنده تاکید می‌کند: «بر همین اساس سوژه اصلی ارکان قدرت و اصحاب سیاست در حال حاضر، پیدا کردن راه‌حلی برای مواجهه با آمریکای ترامپ است نه مسائل حاشیه‌ای و قلابی و نامتجانس با نیاز مردم. اگر در دفاع مقدس این مردم بودند که با شهادت و ایثار و جانبازی، امنیت ملی ایران را حراست کردند امروز نوبت به مسئولان کشور است تا با بینشی منطبق با واقعیات کشور برای خواسته مردم که همانا تامین نیازهای زندگی‌شان است تدبیر کنند.»

همواره عدم شناخت دقیق و درست از دشمن یا رقیب تحقق اهداف را مشکل خواهد کرد. به همین معنا متأسفانه موضوعی که برخی دچار آن هستند تمایز قایل شدن بین روسای جمهور آمریکا است. چنانکه آمریکای اوباما را با آمریکای ترامپ قیاس می‌کنند و به نسبت این قیاس که از باوری نادرست نشأت گرفته به تحلیل و ارائه راهکار می‌پردازند. اما مگر حقیقت جز این است که قرار بود در همان روز اجرای برجام رئیس‌جمهور وقت آمریکا (اوباما) تعهدات کشورش را به اجرا بگذارد؟

ولی اوباما زیرکانه در ظاهر برادشتن تحریم‌ها را ابلاغ کرد اما طبق آنچه مسئولان کشورمان گفته‌اند و همچنین مطابق اظهارات مقامات اروپایی و نیز مدیران بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ اروپا در همان دوره اوباما دولت آمریکا اصلی‌ترین مانع تحقق برجام شد. و همچنین تحریم‌های جدیدی نیز به بهانه‌های واهی علیه ایران در دوره پس‌ابرجامی اوباما تصویب شد.

مشکل بزرگ اصلاح‌طلبان انحصارطلبی و بی‌اعتنایی به معیشت مردم

آرمان: نخستین آفت جریان اصلاحات عدم توجه به نیازهای اساسی جامعه است یعنی شعار این جریان «تقدم آزادی بر نان» مطرح شد اما این شعار تنها در برهه انتخاباتی پاسخگو است و پس از آن، ساده‌انگاری است که از جماعتی درگیر

تامین معاش انتظار حمایت سیاسی داشت. حجاریان معتقد است که اصلاحات وعده دگرگونی اقتصاد را نداد و از توسعه سیاسی سخن گفت و مردم نیز وعده‌های سیاسی او را خریدند و دریافتند مادی که مسئله سیاست رفع نشود، دغدغه نان برطرف نمی‌شود» اما تجربه نشان داده که برای بخش بزرگی از جامعه ایرانی تامین معیشت از اهمیتی فراتر از توسعه سیاسی برخوردار است. مشکل دیگر جریان اصلاحات که نه در ابتدای تشکیل بلکه بعدتر به آن دچار شد، انحصارطلبی سیاسی بود یعنی با قوت گرفتن جریان اصلاحات طیف‌های مختلفی در درون آن متولد شدند که هرکدام خواسته و گرایش خاص خود را داشتند و البته تاکید آنها هم بر این بود که نظر آنها از سوی دیگر طیف‌ها پذیرفته و اجرا شود که همین موضوع سبب برخی گلاویه‌ها در جریان اصلاحات شده است.

اروپا منازعه بین هویت و منفعت

جوان: یکی از دستاوردهای پیش‌بینی‌نشده برجام، قرار گرفتن اروپا در یک آزمون دشوار بود. آنان گمان نمی‌کردند شرایط به صورتی رقم بخورد که حیثیت خود را در گوشه رینگ ببینند و برای خروج از وضع موجود به تناقض‌گویی بپردازند. اکنون آمریکا در مقابل چشم جهانیان از جمله ملت‌های اروپایی به تعهدی پشت‌پا زده است که اروپاییان امضا نموده‌اند و اگرچه تصمیم آمریکا را غیرمنطقی می‌دانند اما از یک سو حاضر به اندک تقلیلی در آورده‌های اقتصادی خود نیستند و از سوی دیگر می‌خواهند در مقابل جهان بگویند رابطه ما با آمریکا رابطه پدر-فرزندی نیست بلکه در طول هم سیاست‌های استعماری را پیش می‌بریم. سؤال اساسی این است که وزن‌کشی امروز آمریکا با اروپاییان منجر به حفظ هویت اروپا خواهد شد یا حفظ منفعت؟ رئیس اتحادیه اروپا بحث استقلال اروپا را مطرح و ماکرون این مسئله را به هویت اروپا ارجاع داد که آیا اروپا در تصمیمات بین‌المللی قدرت و توان عمل مستقل را دارد؟ اصولاً اگر روزی لازم باشد اروپا می‌تواند در مقابل آمریکا تمام قد بایستد؟ تعدیل اقتدار اروپا در این مسئله به صورت طبیعی آینده روابط این کشور با جهان را دچار تغییر خواهد کرد و جهان فردا اروپا را به عنوان یک قاره که شجاعت و جسارت لازم برای دفاع از خود را ندارد خواهد شناخت.

چرا آمریکا از پیروزی صدر در عراق نگران است؟

فارس: تقابل جریان صدر با آمریکا در عراق به سال‌های دور و زمانی بر می‌گردد که رهبری این جریان یعنی مقتدی صدر جیش المهدی را به عنوان یکی از نیروهای ضدآمریکایی در عراق به وجود آورد. جیش المهدی شاخه نظامی جریان صدر بود. بعد از سرنگونی حکومت صدام، مقتدی صدر با هدف مبارزه با اشغالگران این گروه را ایجاد کرد. در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۶۰۰۰ عضو در این گروه بودند. این گروه مخالف سرسخت حضور آمریکا در عراق بوده است. مقتدی صدر در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۲۰۰۵ با اشاره به وظیفه جیش المهدی در حمایت از اسلام گفته بود «اگر کشورهای اسلامی و همسایه از جمله ایران مورد حمله قرار گیرند، از آن کشورها حمایت می‌کنیم.» به دلیل اختلافاتی که در ساختار سیاسی عراق در سال ۲۰۰۸ به وجود آمد و به دلیل برخی اقداماتی که این گروه انجام داد نهایتاً این شاخه توسط رهبر آن یعنی مقتدی صدر منحل شد. بعدها سرایا السلام جای جیش المهدی را گرفت. هدف این گروه نیز دفاع از عتبات و شیعیان و مبارزه با سلطه گری اشغالگران در عراق بود و نبردهایی نیز با داعش داشته است. سامرا، آمرلی، و برخی از مناطق دیگر عراق از جمله این نبرها بوده است. حالا که مقتدا صدر یعنی رهبر جریان صدر توانسته

۵۴ کرسی پارلمان را کسب کند، طبیعی است اولین کشوری که باید از این موضوع نگران باشد، آمریکا است. سابقه ضد آمریکایی جریان صدر کاملاً مشخص است.

بوق ممتد را بشنوید

صبح نو: تجمع چندروزه کامیون‌داران در حالی رقم خورد که بیشتر آنها به حضور دلالتان در توزیع بار و مهم‌تر از آن کاهش نرخ کرایه‌های حمل و نقل اعتراض داشتند. اعتراض کامیون‌داران و نفتکش‌ها از مدت‌ها پیش آغاز شده بود و هر بار با وعده‌هایی این اعتراضات قبل از جدی شدن به اتمام می‌رسید، موضوع مهم‌تر شاید این است که در این مدت وزارت راه و شهرسازی که متولی اصلی رسیدگی به این صنف هستند واکنشی نسبت به این اتفاق نداشته است. در پی انتشار خبر اعتراض کامیون‌دارها و نفتکش‌ها تعداد زیادی به پمپ بنزین‌ها هجوم بردند و این موضوع با شایعاتی نظیر آتش زدن چند پمپ بنزین در شیراز همراه و باعث شد تا حساسیت‌های شبکه‌های معاند به‌ویژه شبکه سلطنتی (بی‌بی‌سی) به این موضوع بیشتر شود. خوراکی که این اتفاق به شبکه‌های مخالف سیاست‌های جمهوری اسلامی به دست آورده‌اند بی‌ارتباط به سکوت طولانی مدت اصلی‌ترین متولی این بخش یعنی همان وزارت راه و شهرسازی نیست. برخی چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی روز پنجشنبه در پیام‌هایی از اعتصاب کامیون‌داران در ایران حمایت کردند. از جمله رضا پهلوی که در پیامی توئیتری این اعتصاب را «نقطه عطف تازه‌ای در مبارزات مسالمت‌آمیز و حق‌طلبانه مردم ایران» توصیف کرد. البته این تنها فردی نیست که این اعتراضات را راهی برای سلطه به ایران می‌داند. مریم رجوی از رهبران ارشد سازمان منافقین که چهره واقعی‌اش سال‌هاست برای مردم ایران رو شده نیز در پیامی عموم مردم را «به حمایت و پشتیبانی» از اعتصاب‌کنندگان تشویق کرده است. شبکه‌های خبری فارسی زبان از (بی‌بی‌سی) گرفته تا صدای آمریکا و رادیو فردا و ... دلقک‌هایی که افسارشان هم دست خودشان نیست از این معرکه به نفع منافع خود و دست‌های پشت پرده بهره‌برداری کرده‌اند و به جرأت می‌توان گفت این اتفاق می‌توانست نیفتد اگر مسوولان ارشد کشور، به‌ویژه عباس آخوندی به‌عنوان وزیر، برای رفع مشکلات مردم در سطوح مختلف برنامه‌ریزی می‌کردند.



photo : Leader.ir

